

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی در زبان فارسی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

محسن نوبخت^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

چکیده

هدف مقاله حاضر، تحلیل انتقادی ساختاری مقالات علمی پژوهشی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است تا تصویری از وضعیت پژوهش‌های انجام شده در این حوزه و طرحی برای پژوهش‌های آتی ارائه شود. بدین منظور، مقالات چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی حوزه علوم انسانی با استفاده از روش مرور ساختاری منابع تحلیل شد. در بهمن ۱۳۹۹ کلیدواژه «گفتمان انتقادی» در پایگاه آی‌اس‌سی با قیدهای «تمامی اقسام»، «تا سال ۱۳۹۹»، «زبان فارسی»، «ژورنال‌های داخلی» و مقالات «علمی» جست‌وجو شد. با این قیده‌ها، ۴۵۱ مقاله استخراج شد و پس از بازبینی عنوان، کلیدواژه‌ها و چکیده و در برخی موارد خواندن متن مقالات، ۲۹۵ مقاله مرتبط با «تحلیل گفتمان انتقادی» به‌عنوان داده‌های تحلیل و جامعه آماری پژوهش انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیشترین تحلیل‌ها مربوط به موضوع بازنمایی جنسیت، قدرت و ایدئولوژی در گفتمان‌های ادبی (۱۰۰ مقاله)، مطبوعاتی (۶۶ مقاله) بود و کمترین‌شان به بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در رسانه برخط (۵ مقاله)، تصاویر (۶ مقاله)، گفتمان حقوقی (۶ مقاله)، گفتمان ترجمه (۷ مقاله)، و در نهایت گفتمان تبلیغات (۷ مقاله) اختصاص داشت. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با توجه به گذشت بیش از دو دهه از طرح تحلیل انتقادی گفتمان در محافل دانشگاهی ایران، لزوم تأسیس مجله‌ای با موضوع خاص گفتمان احساس می‌شود؛ همکاری‌های بین‌المللی باید مورد توجه محققان این حوزه قرار گیرد. رویکردهای جدیدی مانند تحلیل چندوجهی و تحلیل‌های پیکره‌ای و روش‌شناسی متناسب با آن‌ها وارد تحلیل انتقادی گفتمان شود؛ گفتمان‌هایی مانند رسانه برخط، متون حقوقی و قانونی می‌تواند بیشتر موضوع تحلیل انتقادی قرار گیرد؛ و در نهایت، با توجه تحولات پیش‌آمده در روش‌های ارتباطی در جامعه امروز، روش‌های تحقیقی مانند پیکره‌ای، چندوجهی و روش‌های کمی می‌تواند موجبات تدقیق یافته‌های تحلیل‌ها را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

مرور انتقادی ساختاری، تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی

۱. استادیار زبان‌شناسی گروه مطالعات زبانی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»
nobaxt@samt.ac.ir (نویسنده مسئول).

مقدمه

گفتمان از جمله مباحثی است که در چند دهه اخیر توجهات زیادی را در علوم انسانی به خود جلب کرده است و به واسطه نوع تحلیل‌هایش، دامنه کاربردش را در رشته‌های مختلف علوم انسانی گسترانده است. بنابراین، به منظور مدیریت پژوهش در این حوزه نیاز است تا بدانیم وضعیت کنونی این حوزه به چه شکل است. بدین ترتیب، نیازهای پژوهشی این حوزه مشخص می‌شود و پژوهش‌ها به سمت برآوردن نیازهای اصلی و حل مسائل در آن رشته هدایت می‌شوند. چیزی حدود دو دهه از طرح رویکرد تحقیقی تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) در محافل دانشگاهی می‌گذرد. بدیهی است، پس از این مدت نیاز است تا پالایشی از تحقیقات انجام‌شده در این زمینه صورت گیرد تا بتوان بینشی از وضع کنونی آن به دست آورد. این پالایش به محققان کمک می‌کند تا گرایش‌ها و اولویت‌های دانشگاهی را بشناسند و خلاءهای باقی‌مانده را دریابند و با توجه به این خلاءها، به مدیریت پژوهش‌های آتی بپردازند. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش هم این است تا با جست‌وجو در منابع موجود و کارهای صورت‌گرفته در این زمینه، خاصه مقالات علمی- پژوهشی چاپ‌شده در مجلات داخلی، چنین بینشی را ارائه دهد. چراکه آشنایی با نویسندگان شاخص این حوزه، موضوعات پرتکرار و موضوعاتی که کمتر کارشده، آشنایی با روش‌های تحقیق در این زمینه، آشنایی با مقالات پراستناد و بنابراین مهم در این حوزه و در نهایت آشنایی با روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی و رویکردهای غالب آن می‌تواند علاوه بر آگاهی ما از وضعیت کنونی آن، راهنمایی برای مطالعات آتی در اختیار علاقمندان و محققان تحلیل انتقادی گفتمان قرار دهد. برای نیل به این هدف و روشن‌ساختن مسئله، رویکرد مرور انتقادی- ساختاری اتخاذ شد. این رویکرد، با توجه به شاخصه‌هایی که معرفی می‌کند، می‌تواند در بررسی و تحلیل محتوای مقالات حوزه تحلیل انتقادی گفتمان و دسته‌بندی آن‌ها مفید واقع شود.

این مقاله از دو نظر بدیع است؛ اول اینکه از روش‌شناسی مرور انتقادی- ساختاری که توسط گاتری و همکاران^۱ (۲۰۱۲: ۷۰)، دامی (۲۰۱۴) و دامی و کای^۲ (۲۰۱۴) شکل

1 . Guthrie, J., Ricceri, F. and Dumay, J.

2 . Dumay, J. and Cai, L.

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

گرفت، بهره می‌برد. این روش‌شناسی به نوعی تحلیل محتوا محسوب می‌شود. مهمترین مزیت مرورهای انتقادی- ساختاری عبارت است از زمینه‌های تجربی‌شان، اجتناب از نقدهایی که مقاله‌های اصلی در آن‌ها وجود ندارد و کنار گذاشتن گرایش‌های شخصی پژوهشگر (Dixon-Woods, 2011: 332; Tranfield et al. 2003: 209). با توجه به تحلیل‌ها، نتایج و تلویحاتی ارائه می‌شود که پژوهشگران و دانشگاهیان را از تحولات اصلی حوزه تحلیل گفتمان انتقادی و نیازهای پژوهشی آتی آگاه می‌سازد. دوم اینکه، با بررسی‌هایی که نگارنده انجام داده است، و تا آنجاکه دریافت شده است، تاکنون انتشارات صورت‌گرفته در حوزه تحلیل انتقادی گفتمان با این روش تحلیل نشده است. بنابراین، انجام چنین پژوهشی می‌تواند داده‌های مفیدی در اختیار پژوهشگران و علاقمندان این حوزه قرار دهد.

پرسش‌های پژوهش

مقاله پیش‌رو با اتخاذ روش‌شناسی مرور انتقادی - ساختاری قصد دارد تا به سه پرسش اصلی پاسخ دهد:

۱. وضعیت کنونی مقالات چاپ‌شده در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی در زبان فارسی به چه صورتی است؟ به عبارتی، توزیع و فراوانی مقالات چاپ‌شده، رشته نگارندگان مقاله، همکاری‌های نویسندگان، میزان استناد به مقالات و پرکارترین نویسندگان به چه صورتی است؟
۲. محورهای اصلی مقالات تحلیل گفتمان انتقادی چیست؟ به عبارتی، عمده‌ترین رویکردها، روش‌های تحقیق و مخصوصاً موضوعات بررسی‌شده در این حوزه با چه توزیع و فراوانی‌ای است؟
۳. با توجه به دو پرسش پیش‌گفته، پژوهش‌های آتی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی بر چه نکاتی باید تأکید و تمرکز کند؟

مبانی نظری پژوهش

تحلیل گفتمان

مطالعه گفتمان کانون توجه پژوهش‌های زیادی در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم اطلاعات شده‌است. به این علت، این حوزه

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

مطالعاتی را می‌توان از منظرهای مختلفی بررسی کرد، اصطلاح «گفتمان» و «تحلیل گفتمان» را هم می‌توان به شیوه‌های بسیار متنوعی هم به کار برد. شیففرین، تنان و همیلتون^۱ در راهنمای تحلیل گفتمان^۲ (۲۰۱۵: ۱) تعاریف پیشین از «تحلیل گفتمان» را در سه مقوله کلی قرار می‌دهند:

۱. مطالعه کاربرد زبان؛

۲. مطالعه ساختار زبانی «فراتر از جمله»؛

۳. مطالعه کردارهای اجتماعی و باورهای ایدئولوژیکی مرتبط با زبان و/یا ارتباط.

گفتمان: زبان در کاربرد

این رویکرد از چندین منظر بررسی شده‌است، از جمله کاربردشناسی، نظریه کارگفت، زبان‌شناسی نقش‌گرا، مطالعات مبتنی بر تنوع زبانی، و مطالعات سیاق. تمام این زیرحوزه‌ها به بررسی این نکته می‌پردازند که واژه‌ها و ساختارهای زبانی چگونه در بافت‌های گفتمانی به کار می‌روند تا طیفی از معناها را بیان کنند. بسیاری از این رویکردها روی مطالعه تنوع زبانی تأکید دارند، و نشان می‌دهند که چگونه انتخاب‌های زبانی هنگام مطالعه در بافت گفتمانی بزرگ‌تر نظام‌مند و قاعده‌مند هستند.

گفتمان: ساختارهای زبانی «فراتر از جمله»

دومین رویکرد مهم به تحلیل گفتمان به مطالعه ساختارهای زبانی «فراتر از جمله» می‌پردازد که خود در سه دسته جای می‌گیرد: **الف) منظر زبانی:** تحلیل زبانی ساختار گفتمان روی ویژگی‌های واژگی دستوری تعیین‌کننده سازمان‌دهی گفتمان تأکید می‌کند. این منظر با تأکید بر واحدهایی بالاتر از سطح جمله (مانند پاراگراف در گفتمان مکتوب و اپیزود در گفتمان شفاهی) به بررسی تمهیدات زبانی نشان‌دهنده ساختار گفتمانی زیرساختی می‌پردازد. **ب) منظر شناختی:** مطالعات شناختی ساختار گفتمان به بررسی عوامل ایجاد «پیوستگی»^۳ در متن

1 . Schiffrin, Tannen, and Hamilton

2 . The Handbook of Discourse Analysis

3 . coherent

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

می‌پردازند. پیوستگی متن به پیوند دادن ایده‌های درون متن برای ایجاد معنا برای خواننده اشاره دارد. تحلیل پیوستگی متن معمولاً گزاره‌های معنایی بیان‌شده در متن را بازمی‌شناسد، روابط منطقی میان آن گزاره‌ها را تشخیص می‌دهد، و توان شنونده/خواننده برای ساختن معنای متنی کلی با توجه به آن روابط گزاره‌ای را تعیین می‌کند. پیوستگی، در تقابل با انسجام که به الگوهای روستاختی نظر دارد، مستلزم مطالعه روابط گفتمانی بزرگ‌تری است. **(ج) منظر رایانشی:** مطالعات رایانشی در مورد سازماندهی گفتمان می‌کوشد تا الگویی از سازماندهی گفتمان به منظور بازیابی اطلاعات و پردازش زبان طبیعی ارائه دهد. اکثر مطالعات رایانشی ساختار گفتمان روی متن‌های مکتوب تأکید کرده‌اند.

گفتمان: مطالعه کردارهای اجتماعی و باورهای ایدئولوژیکی مرتبط با ارتباط

دست آخر رویکرد سوم به «گفتمان» بر ساختارهای اجتماعی گفتمان و نه توصیف زبان‌شناختی متن‌هایی خاص تأکید دارد. برای مثال حامیان بلاغت جدید (مانند Bazerman, 1988; 1994 ; Berkenkotter and Huckin, 1995) در مورد اهمیت فهم بافت اجتماعی پیرامون متن‌ها برای کمک به نویسنده جهت انتخاب راهبردهای بلاغی مناسب برای یک موقعیت مفروض بحث کرده‌اند. تأکید اصلی در این‌جا تنها روی محصول (متن) نیست بلکه بر فرایندهای پیرامون تولید و مصرف متن‌ها هم تأکید و پرسیده می‌شود که «چرا گفتمان‌ژانرهای به‌خصوصی توسط متخصصان نوشته و مصرف می‌شود؟». بنابراین، می‌توان صبغه انتقادی در این نوع نگاه به گفتمان را برجسته دانست. رویکردهای غالب در تحلیل انتقادی گفتمان را بیشتر با نام واضعان آن رویکرد می‌شناسند که عبارت‌اند از نورمن فرکلاف، روث ووداک، تئو ون لیون، ون دایک.

تحلیل گفتمان انتقادی در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شد و در قرن بیست‌ویکم به رشته‌ای کاملاً تثبیت‌شده در علوم اجتماعی تبدیل شده‌است (Fairclough et al. 2010; Wodak and Meyer 2009a). به باور ووداک و میر (2016: 25) تحلیل گفتمان انتقادی برنامه مطالعاتی میان‌رشته‌ای و البته مسئله‌محوری است که رویکردهای مختلفی را در بر می‌گیرد؛ هر کدام از این رویکردها الگوهای نظری متفاوت، روش‌های تحقیق و دستورکارهای متفاوتی دارند. آنچه بین آن‌ها

وحدت ایجاد می‌کند علاقه‌مشترك به ابعاد نشانه‌شناختی قدرت، سیاست‌های هویتی و تغییرات اقتصادی - سیاسی یا فرهنگی در جامعه است. بنابراین، فصل مشترك تمامی این رویکردها را می‌توان مفاهیم ایدئولوژی، قدرت، گفتمان و نقد دانست. ووداک (همان) رویکردهای غالب در تحلیل انتقادی گفتمان را بدین قرار بر می‌شمرد: زبان‌شناسی انتقادی (Fowler et al. 1979) و نشانه‌شناسی اجتماعی (Kress; Van Leeuwen and Caldas-Coulthard 2004; Van Leeuwen 2005a)؛ رویکرد گفتمانی-تاریخی (Wodak, 2001; Wodak, 2009a; Wodak, 2009b); مطالعات اجتماعی- شناختی (Van Dijk, 1993, 1991, 2008a, 2008b); رویکرد رابطه‌ای-دیالکتیکی (Fairclough, 1992, 2000, 2003, 2006); مباحثه و بلاغت (Chilton 2004; Van Leeuwen 2007; Van Leeuwen & Wodak, 1999); رویکردهای پیکره‌بنیاد (Mulderriq, 2009; Mautner, 2009; Baker et al. 2008); (Biber, 2006a; 2010).

مرور انتقادی - ساختاری

مرور انتقادی منابع اهداف مختلفی دارد. ازجمله این اهداف عبارتند از: بررسی نظریه‌های پیشین باشد؛ فراهم‌آوردن مبنایی برای مداخله و یا پادرمیانی؛ فراهم‌آوردن راهنمایی برای محققانی که برای مطالعات آتی طرح‌ریزی می‌کنند؛ و در نهایت فراهم‌آوردن خلاصه‌ای از یک موضوع خاص. اهداف مختلف و پیچیدگی رو به رشد مرور انتقادی منابع، که خود معلول تعداد روزافزون نوشته‌های علمی و روش‌های پژوهش است، بدین معناست که رویکردهای مختلفی برای مرور انتقادی منابع وجود دارد. بنابراین رشد سریع کارهایی در زمینه مرور انتقادی منابع منجر به نظام اصطلاح‌شناختی فراوانی برای توصیف رویکردهایی شده‌است که، به‌رغم نام‌های مختلف‌شان، ویژگی‌های اصلی مشابهی دارند؛ ازجمله جمع‌آوری، ارزیابی و ارائه شواهد پژوهشی موجود. برخی از این برچسب‌ها در کاربردهای کنونی و رایج عبارتند از مرور نظام‌مند^۱، فراتحلیل^۲، مرور سریع^۳، مرور منابع سنتی^۴، مرور

- 1 . Systematic Review
- 2 . Meta-Analysis
- 3 . Raoid Review
- 4 . Traditional Literature Review

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

روایی^۱، ترکیب پژوهش^۲، و مرور ساختاریافته^۳. بنابراین، وضوح بیشتر اصطلاحات و روش‌های پیرامون مرور انتقادی منابع می‌تواند به محقق کمک کند تا زمان و نحوه انتخاب این مرورهای انتقادی را بداند. از این‌رو، در این بخش می‌کوشیم تصویری از روش‌های مورداستفاده در «مرور انتقادی» ارائه دهیم.

در وهله اول، روش‌شناسی مرور ساختاریافته در مقاله حاضر برگرفته از مطالعات پیشین در این زمینه است (Dumay and Cai, 2014; Dumay, 2014; Guthrie et al., 2012). پیرو این مطالعات، پژوهش در شش مرحله انجام می‌شود:

۱. پرسش‌های پژوهش را تعیین کنید.

۲. یک دستورالعمل پژوهشی برای مرور انتقادی بنویسید.

۳. مقاله‌های موردبررسی را مشخص کنید و جست‌وجوی کاملی در منابع انجام دهید.

۴. چارچوبی برای کدگذاری ایجاد کنید.

۵. مقاله‌ها را کدگذاری و از میزان اعتبار آن‌ها اطمینان حاصل کنید.

۶. به تحلیل انتقادی بپردازید و در مورد نتایج بحث کنید.

حال به تشریح هر کدام از این موارد می‌پردازیم.

دستورالعمل پژوهشی

نوشتن یک دستورالعمل برای پژوهش ضروری است؛ چراکه باید به مرور پرسش‌ها پرداخت، روش‌های مورداستفاده را برشمرد، انواع پژوهش را نشان داد و نیات مرورکننده را تعیین کرد، و مشخص کرد که این کارها با چه ابزاری انجام می‌شوند و چگونه این مطالعات ارزیابی ترکیب خواهند شد.

ابتدا با یک فرایند کدگذاری دستی می‌توان نشان داد که چه اطلاعاتی از یک مقاله استخراج خواهد شد. کدگذاری دستی نسبت به کدگذاری رایانه‌ای

1 . Narrative Review

2 . Research Synthesis

3 . Structured Review

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

مزیت‌هایی دارد زیرا واژه‌هایی با معانی مشابه را می‌توان تشخیص داد و در دسته‌بندی درست مقاله‌ها به کار گرفت. به‌علاوه، استفاده از رایانه به منظور جایگزین‌سازی آن با شیوه‌های یادگیری دبرپای دیگر نیست بلکه برای افزایش کارآمدی و قابلیت آموزش است. از این‌رو، نویسنده‌ها در کدگذاری دستی مقاله‌ها از نرم‌افزارهایی استفاده می‌کنند که بتواند داده‌های ساختارنایافته را تحلیل کند زیرا رایانه‌ها می‌توانند فرایند کدگذاری را تقویت و البته تأیید کنند، سرعت پژوهش را بهبود بخشند، و از نظرات شخصی بکاهند. اساساً مرور انتقادی ساختاری شکلی از تحلیل محتواست اما، برخلاف سنت رایج در تحلیل محتوا، واحد تحلیل را مقاله می‌داند، نه واژه‌ها، جمله‌ها یا پاراگراف‌ها.

جست‌وجو در منابع

برای شناسایی مقاله‌های مرتبط با مرور منابع، از سایت پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) استفاده شد. با جست‌وجوی کلیدواژه «گفتمان انتقادی» در قسمت «تمام اقسام» در ژورنال‌های فارسی‌زبان ۴۵۱ مقاله انتخاب شد. چکیده، عنوان و کلیدواژه‌های مقاله‌ها خوانده شد. در بررسی اول ۳۹۵ مقاله مرتبط را انتخاب کردیم. چراکه برخی مقاله‌ها تنها عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» را داشتند اما عملاً تحلیل گفتمانی نبودند. در نهایت و با بازبینی نهایی، به ۲۹۶ مقاله رسیدیم. در این مرحله هم به ناگزیر برخی مقاله‌ها کنار گذاشته شدند. ازجمله اینکه، به رغم گنجیدن در حوزه تحلیل گفتمان اما مطالعه‌ای موردی از زبان دیگری غیر از فارسی را تحلیل کرده بودند؛ ازجمله داستان‌های انگلیسی یا عربی؛ یا روزنامه‌ها و مجلات غیرفارسی‌زبان. اما، با تمام این تفصیلات، می‌توان فهرست کنونی را کامل در نظر گرفت.

ایجاد چارچوبی برای کدگذاری

هدف ما از کدگذاری مقالات این بود تا رویکردی صوری و نظام‌مند برای استخراج اطلاعات مرتبط از مطالعات پیشین داشته‌باشیم. از این‌رو، هفت مقوله برای کدگذاری مقالات انتخاب کردیم. اولین مقوله به دسته‌بندی مقالات از نظر مجله و ملاحظات ارجاعی می‌پردازد. هدف اصلی ما در این قسمت بررسی سیر تکامل منابع و تأثیرشان بود. برای نمایه‌سازی، جست‌وجو را بر اساس

«پراستنادترین مقالات» انجام دادیم. بنابراین، میزان استناد به هر مقاله مشخص می‌شود. مقوله دوم به محدوده چاپ مقاله‌ها بر می‌گردد. به بیان کلی‌تر، این محدوده می‌تواند به یک رشته یا چند رشته برگردد و نشان دهد که مقاله به صورت بینارشته‌ایست یا تک‌رشته‌ای. هدف از این بررسی نشان دادن الگوهای انتشار مقالات گفتمانی در رشته‌های مختلف است. مقوله سوم به روش‌های مورد استفاده در پژوهش بر می‌گردد. تحلیل گفتمان می‌کوشد تا به یک اجماع هستی‌شناختی بین نویسنده‌ها برسد. رویکردهای مختلف در پژوهش به روش‌های پژوهشی چندگانه می‌انجامند. فهرستی از شش روش پژوهش مختلف برای این حوزه انتخاب شد: کمی، مطالعه موردی، مروری، روش تلفیقی (کمی و کیفی)، پیکره‌ای، چندوجهی، مقطعی، طولی، مصاحبه. دسته‌بندی روش پژوهش کمی دشوار است چرا که مقاله‌هایی هستند که از چند روش استفاده می‌کنند تا از این طریق روش تحقیق‌شان را قابل اطمینان‌تر کنند. چهارمین مقوله، چارچوب پژوهش است زیرا استفاده از چارچوب‌های موجود یا پیشنهادی جدید و الگوها به فهم این نکته کمک می‌کند که آیا یک رشته در حال بلوغ هست یا نه. بررسی تعاریف تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که این حوزه قائم به افراد واضح آن رویکرد است تا چارچوب نظری مشخص. بنابراین، در دسته‌بندی چارچوب‌های مورد استفاده هم این نکته لحاظ شد مگر در مواردی که آن رویکرد قائم به فرد نبود، مانند رویکرد نشان‌شناختی یا چندوجهی. پنجمین مقوله، موضوع پژوهش است. با تحلیل محتوای مقالات می‌توان به حوزه‌های خاصی اشاره کرد که مورد علاقه برخی محققان است، فرصت‌های پژوهشی جدید را یافت، و فهم بهتری از دیالوگ علمی به دست آورد.

مقاله‌ها را کدگذاری کنید

از آنجا که مرورهای ساختاری نوعی تحلیل محتوا به حساب می‌آیند، از کدگذاری ذهنی برای تحلیل مقاله‌ها استفاده می‌کنند؛ زیرا این نوع پژوهش مبتنی بر داده‌هایی است که توسط انسان ساخته شده‌است و از او خواسته می‌شود تا قضاوت‌هایی ارائه دهد. از این رو، طرح این پرسش مهم است که مقوله‌های انتخابی برای تحلیل محتوا چطور تعیین و توصیف می‌شوند که افراد مختلفی که مستقل کار می‌کنند قضاوت‌های مشابهی خواهند کرد.

روش پژوهش

جامعه این پژوهش مقالات فارسی زبان نمایه شده در پایگاه استنادی آی اسی است. پایگاه استنادی جهان اسلام، در کنار مگیران و نورمگز، جزو سایتهای معتبر نمایهسازی داخل کشور محسوب میشوند که اکثر قریب به اتفاق مقالات علمی مجلات داخل کشور در آنجا نمایه میشوند و از این رو می‌تواند، به لحاظ جامعیت، اعتبار لازم را داشته باشد. برای سنجش این اعتبار، جست‌وجوی کلیدواژه «گفتمان انتقادی» در سایت مگیران و نورمگز هم انجام شد تا ببینیم اختلاف تعداد مقالات استخراجی از این دو پایگاه با پایگاه استنادی جهان اسلام چقدر است. نتیجه این که، این اختلاف آنچنان نبود که تعداد مقاله‌های پایگاه استنادی جهان اسلام را از اعتبار ساقط کند.

استخراج مقالات از این سایت هم چندبار با چند کلیدواژه مختلف انجام شد تا تعداد مقالات استخراجی با تعداد واقعی مقالات در مجلات تناسب داشته باشد. از میان گزینه‌های جست‌وجو در پایگاه استنادی جهان اسلام، گزینه «تمامی اقلام» انتخاب شد تا بتواند عبارت مورد جست‌وجوی ما را در تمام اقلام مقاله از عنوان، چکیده، کلیدواژه و مقدمه گرفته تا متن اصلی و نتیجه‌گیری، بیابد. بنابراین، اگر حتی یک بخش از عبارت مورد جست‌وجوی ما در هر جایی از مقاله به کار می‌رفت، آن مقاله استخراج می‌شد. برای تعیین کلیدواژه جست‌وجو، از میان عبارت «تحلیل گفتمان انتقادی» دو واژه انتهایی یعنی «گفتمان انتقادی» برای جست‌وجو انتخاب شد. زیرا در چند مورد، ترکیب‌های دیگری از عبارت «تحلیل گفتمان انتقادی» برای جست‌وجو انتخاب شد اما موتور جست‌وجوی پایگاه یا مقاله‌های بسیار کمی در اختیار ما می‌گذاشت یا مقاله‌هایی بیش از اندازه را استخراج می‌کرد. بررسی‌های اولی روی مقالاتی که با کلیدواژه‌هایی غیر از کلیدواژه «گفتمان انتقادی» استخراج شدند نشان داد که بسیاری از این مقالات ارتباطی با تحلیل گفتمان انتقادی ندارند؛ چراکه تنها واژه گفتمان یا انتقادی در آن مقالات به کار رفته است و هیچ نوع تحلیل گفتمان انتقادی‌ای در آن مقاله انجام نشده است. پس از استخراج مقالات با کلیدواژه «گفتمان انتقادی» و جهت اطمینان از اعتبار تعداد مقاله‌ها، برای نمونه، وارد سایت چند مجله شدیم تا ببینیم تعداد مقاله‌های تحلیل گفتمان انتقادی در سایت خود مجله به چه صورتی است، به عبارتی، آیا

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

آن تعداد مقاله با تعداد مقاله‌هایی که پایگاه استنادی جهان اسلام از آن مجله در سایت خود در اختیار ما میگذارد برابری میکند یا نه.

مقالات استخراج‌شده، بر اساس میزان استناد به هر مقاله در فایل اکسل مرتب شد. بنابراین، مقالات استخراج‌شده از پراستنادترین تا کم استنادترین، یعنی یک و صفر استناد مرتب شد. در این مرحله، ۴۵۱ مقاله از پایگاه استخراج شد و جامعه آماری اولیه ما را تشکیل می‌داد. معیار بعدی برای محدودساختن جست‌وجو، دوره موردبررسی و نوع مجلات بود. نوع مجلات، ژورنال‌های داخلی و مقالات علمی انتخاب شد. برای دوره زمانی محدودیتی قائل نشدیم؛ از این‌رو، اولین مقاله چاپ‌شده در مجلات علمی داخلی در سال ۱۳۸۱ تا آخرین آن در پایان سال ۱۳۹۹ موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. تاریخ انجام جست‌وجو، بهمن ۱۳۹۹ بود.

برای رسیدن به کلیدواژه مناسب برای جست‌وجو چندبار چند کلیدواژه آزموده شد. با جست‌وجوی هر کلیدواژه، تعداد مقاله‌هایی که سایت در اختیار ما قرار می‌داد بسیار بیشتر از حد انتظار بود. بنابراین، عنوان و چکیده و مقدمه برخی از مقالات خوانده شد تا مشخص شود که آیا آن مقالات در حوزه تحلیل انتقادی گفتمان قرار می‌گیرند یا نه. با این بررسی، برای نگارنده روشن شد که بسیاری از آن مقالات اصلاً در حوزه گفتمان و تحلیل گفتمان قرار نمی‌گیرند. این شد که، در نهایت، کلیدواژه «گفتمان انتقادی» برگزیده شد. چراکه با این دو کلیدواژه و جست‌وجوی آن در قسمت «تمامی اقسام» هر مقاله‌ای که واژه گفتمان یا انتقادی را در هر قسمتی از متن داشت استخراج می‌شد. بررسی این مقالات هم نشان داد که از این طریق و با جست‌وجوی این کلیدواژه، تعداد بسیار کمی از مقالات خارج از حوزه گفتمان قرار می‌گرفت که آن‌ها هم در مرحله پالایش کنار گذاشته شدند. بدین ترتیب که، عنوان، چکیده و کلیدواژه تک تک مقالات خوانده و مقالات غیرمرتبط با حوزه «تحلیل انتقادی گفتمان» حذف شد. برخی مقالات فقط عبارت «گفتمان انتقادی» را در عنوان یا بخشی از مقاله داشتند ولی اصلاً به تحلیل انتقادی هیچ گفتمانی نمی‌پرداختند. این مقالات در این مرحله کنار گذاشته شدند. در گام بعدی، مقالاتی که متن‌هایی غیر از زبان فارسی را بررسی کرده بودند هم کنار گذاشته شدند: برخی مقالات داستان‌ها یا شعرهای عربی، برخی متن

روزنامه‌های عربی و برخی متن روزنامه‌های انگلیسی را بررسی کرده بودند. این مقالات از پیکره مورد بررسی حذف شدند. در نهایت و پس از پالایش نهایی ۲۹۵ مقاله باقی ماند که در زبان فارسی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی و از پایگاه استنادی جهان اسلام مورد بررسی قرار گرفت

یافته‌های پژوهش

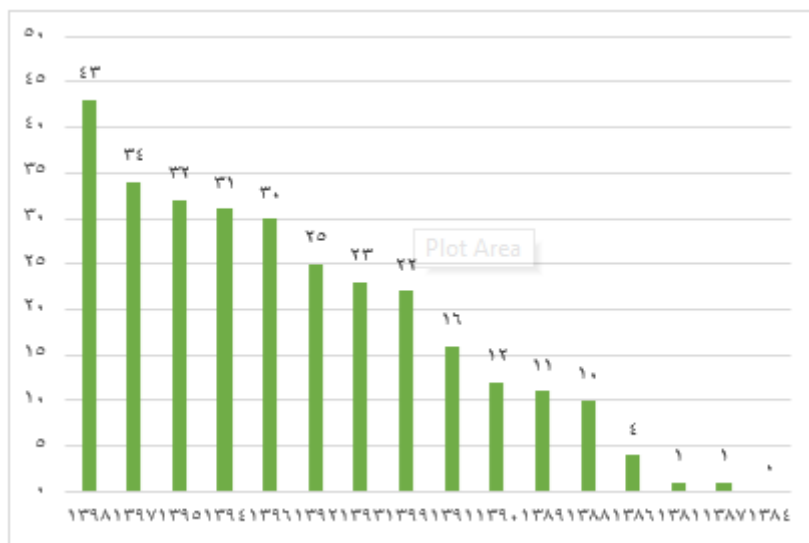
در این بخش به بررسی نکاتی در مورد مجلات، نویسندگان، سال نشر و میزان استناد به مقالات می‌پردازیم. بررسی این نکات می‌تواند پاسخی به پرسش اول مقاله باشد که وضعیت کنونی مقالات چاپ‌شده در حوزه تحلیل گفتمان به چه صورتی است. به علاوه، پرسش دوم را هم می‌توان با توجه به نتایج همین بخش پاسخ داد که محورهای اصلی مقالات تحلیل گفتمان انتقادی چه هستند. پاسخ این پرسش در گرو روشن ساختن رویکردهای غالب، روش‌های تحقیق و موضوعات تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی است.

مجله، نویسنده، سال

یافته‌هایی که در این بخش ارائه می‌شود، خاصه تعداد مقاله‌ها، مجلات پیش‌رو در این حوزه، و میزان استنادها، می‌تواند به پرسش اول پاسخ دهد. مقوله موردبررسی اول، مجله‌ها، نویسندگان و سال نشر مقالات بود. اولین مقاله چاپ‌شده در مجلات داخلی برای سال ۱۳۸۱ بود و آخرین آن سال ۱۳۹۹. در این سال‌ها بیشترین مقالات چاپ‌شده، طبق انتظار، مربوط به سال‌های پایانی است. البته در این میان استثنائاتی هم قرار دارد. مثلاً تعداد مقالات سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ کمتر بود. اما فاصله آن‌ها تنها یک و دو مقاله است که چندان قابل‌ملاحظه نیست. از آنجا که داده‌های مقاله پیش‌رو در اواخر سال ۱۳۹۹ جمع‌آوری شد، و تا آن زمان هم برخی از مجلات انتشار نیافتند، پس جایگاه هشتم سال ۱۳۹۹ به لحاظ تعداد مقاله‌ها می‌تواند قابل‌توجیه باشد. از سوی دیگر، تعداد مقاله‌های چاپ‌شده می‌تواند نشان دهد که آن موضوع چه میزان در محافل دانشگاهی مطرح و دغدغه جامعه تخصصی است. هرچه تعداد مقاله‌های چاپ‌شده در یک حوزه بیشتر باشد، می‌تواند بدین دلیل باشد که آن موضوع یا آن حوزه بیشتر موردتوجه متخصصان آن حوزه قرار دارد. این نکته به طور مشهودی

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

در مورد مقاله‌های چاپ شده در مجلات داخلی ما به چشم می‌خورد؛ چراکه هرچه از زمان طرح تحلیل انتقادی گفتمان در جامعه تخصصی داخلی می‌گذرد، تعداد مقالات چاپ‌شده هم رو به فزونی می‌نهد.



نمودار ۱. توزیع تعداد مقاله طی سال

تعداد استناد به مقالات: میزان استناد نشان از تأثیر نویسنده یا مقاله در آن جامعه علمی دارد و می‌تواند به روشن‌شدن سیر تطور یک حوزه کمک کند. در پیکره موردبررسی تعداد استناد صفر می‌تواند قابل‌توجه باشد که حجم اعظمی از سهم استنادها (۶۰ درصد) را به خود اختصاص داده است. ۴۴ مقاله (حدود ۱۵ درصد) هم یک بار مورد استناد قرار گرفتند. این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از آن‌ها این است که حجم بیشتر مقاله‌ها در سال‌های پایانی چاپ شده‌اند و بنابراین بسیاری از نویسندگان امکان مراجعه و استناد به آن‌ها را نداشتند. دلیل دیگر شاید عدم ارتباط مقاله‌ها و بنابراین عدم استناد به هم باشد. البته نگاه بدبینانه هم این است که نویسندگان مقاله‌ها نیازی به استناد به سایر مقاله‌ها احساس نمی‌کند، که می‌تواند یا به دلیل کیفیت مقاله‌های دیگر و یا بی‌اطلاعی نویسندگان از آن‌ها باشد. از آن‌جا که مقاله حاضر نگاه ارزش‌گذارانه نسبت به مقاله‌های انتشار یافته ندارد نمی‌تواند وارد این حوزه و تحلیل این

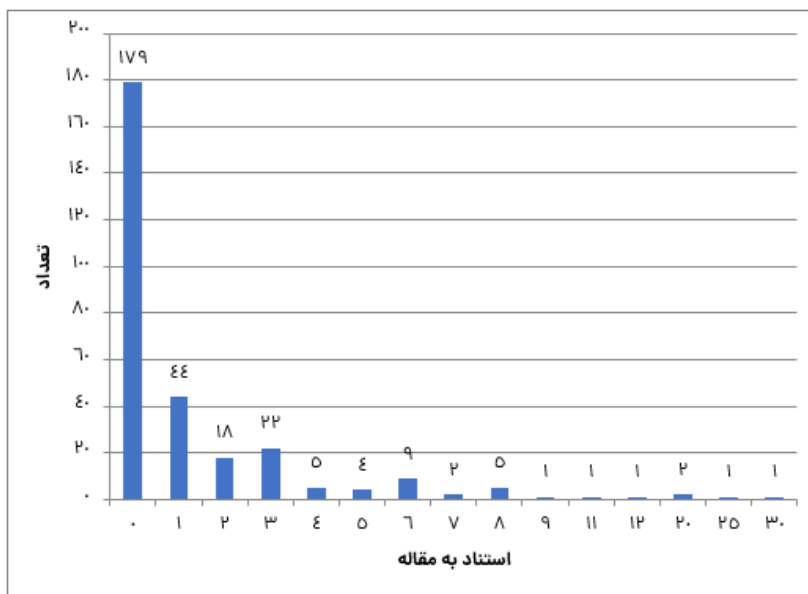
تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

موضوع شود. به هر روی، میزان بالای ارجاعات صفر، یک و دو نکته قابل تأملی است.

بیشترین استنادها (۳۰ استناد) مربوط به مقاله «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی» از فردوس آقاگل‌زاده و غیاثیان است. این مقاله به مرور رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد و با توجه به شمولیت موضوعی، طبیعی است که مورد استناد بسیاری از مقاله‌ها قرار گیرد. از طرفی، سال چاپ این مقاله (۱۳۸۶) هم این فرصت را به آن می‌دهد تا نویسنده‌های دیگر به آن مراجعه کنند. مقاله پراستناد دیگر «بازنمایی ایران در سینمای هالیوود» از گیویان و سروری است با ۲۵ استناد که در سال ۱۳۸۸ چاپ شد. باز هم با توجه به سال چاپ این اثر می‌توان به چرایی پراستناد بودن آن پی برد. مقاله «تحلیل گفتمان غالب در رمان سو و شون سیمین دانشور» با ۲۰ استناد در سال ۱۳۸۸ و چاپ شد. مقاله «توصیف و تبیین ساخت‌های ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی» با زهم به قلم آقاگل‌زاده با ۲۰ استناد در جایگاه چهارمین مقاله پراستناد قرار دارد که در سال ۱۳۹۱ چاپ شد. این مقاله هم به مرور مسائل بنیادی در شیوه تحلیل انتقادی گفتمان می‌پردازد. به همین دلیل و باز با توجه به سال چاپ می‌توان انتظار داشت که بیشتر به رؤیت نویسنده‌های دیگر رسیده‌باشد. تعداد سایر استنادها را می‌توان در نمودار شماره ۲ مشاهده کرد. در کل، چهار مقاله بین ده تا بیست باز مورد استناد قرار گرفتند، دو مقاله بین بیست تا سی بار مورد استناد واقع شدند، بیست و یک مقاله بین پنج تا ده بار، و

هشتاد و نه مقاله هم بین یک تا پنج بار مورد استناد قرار گرفتند.

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...



نمودار ۲. تعداد مقالات بر اساس استنادها

جدول ۱. مقالات بر اساس استناد (تعداد-درصد)

تعداد استنادها	تعداد مقالات بر اساس استناد	سهم درصد
۰	۱۷۹	۶۰/۷
۱-۵	۹۳	۳۱/۵
۶-۱۰	۱۷	۵/۸
۱۱-۱۵	۲	۰/۷
۱۶-۲۰	۲	۰/۷
۲۱-۲۵	۱	۰/۳
۲۶-۳۰	۱	۰/۳
جمع	۲۹۵	۱۰۰

بیشترین استناد به مقالات بر اساس نویسنده: از مجموع استنادهای صورت گرفته، چه مقاله‌های تک‌نویسنده و چه مقاله‌هایی با چند نویسنده،

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

بیشترین استناد صورت گرفته با ۱۲۵ استناد به آقای فردوس آقاگل زاده اختصاص دارد که حدود ۱۴ درصد از کل استنادهای صورت گرفته را تشکیل می دهد و کمترین آن به آقای محمد مهدی فرقانی با ۱۴ استناد که چیزی حدود ۱/۷ درصد از استنادهاست. روند استناددهی به نویسندگان در هر سال را می توان در تصویر ۵ مشاهده کرد.

جدول ۲. بیشترین استناد به مقالات بر اساس نویسنده

درصد کل استنادها	تعداد استناد در کل	
۱۴	۱۲۵	آقاگل زاده فردوس
۳/۴	۳۰	گیویان عبدالله
۳۱	۲۸	دسپ علی
۳۱	۲۸	قبادی حسینی
۲/۸	۲۵	سروی زرگر محمد
۲/۸	۲۵	گلفام ارسلان
۲۱	۱۹	فلاحی محمد هادی
۲	۱۸	غیاثیان مریم السادات
۱/۷	۱۵	فرقانی محمد مهدی
۶۴/۸	۵۷۷	سایر
۱۰۰	۸۹۰	جمع

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

جدول ۳. استنادها طی سال به تفکیک نویسنده و بیشترین استنادها

نویسنده	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع
	آفاگل زاده فردوس	۰	۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
گیویان عبدالله	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰
دسپ علی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۸
قبادی حسینی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۸
سروی زرگر محمد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵
گلفام ارسلان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵
فلاحی محمد هادی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۹
غیاثیان مریم السادات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۸
فرقانی محمد مهدی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵
سایر	۰	۱۲	۹	۴۱	۹۸	۴۴	۹۵	۹۳	۷۲	۴۷	۴۶	۱۲	۸	۰	۵۷۷
جمع	۰	۴۲	۹	۱۶۵	۱۳۱	۸۲	۱۳۳	۱۱۰	۸۰	۶۳	۵۵	۱۲	۸	۰	۸۹۰

مجلات و نویسندگان: تعداد مقالات چاپ شده در یک مجله در یک موضوع می تواند نشان دهنده رویکرد تخصصی آن مجله باشد. البته شروع به کار مجلات مختلف و زمان بندی چاپ آنها (دوماهنامه، فصلنامه و دوفصلنامه) با هم تفاوت دارد. از آنجا که مقاله حاضر برای انتخاب مجلات محدودیتی قائل نشد، بنابراین شاید نتوان به دقت توضیح داد که کدام نشریات به طور اختصاصی وارد یک

حوزه شدند و یا نشدند. از طرفی، هر نشریه بر اساس اهداف و رویکردی شکل می‌گیرد و بنابراین شاید ارسال مقالات خاص حوزه‌ای با نام تحلیل گفتمان به آن مجله موضوعیت پیدا نکند. اما با مشاهده عنوان مجلات حوزه علوم انسانی می‌توان دریافت که مجله‌ای تخصصی با عنوان گفتمان‌پژوهی یا تحلیل گفتمان دیده نمی‌شود. به علاوه، در رشته زبان‌شناسی که می‌توان آن را خاستگاه تحلیل گفتمان قلمداد کرد هم مجلات تخصصی حوزه‌های اصلی زبان‌شناسی (آواشناسی و واج‌شناسی، ساختواژه، معناشناسی) مشاهده نمی‌شود؛ تنها ویژه‌نامه «دستور» است که در ضمیمه «نامه فرهنگستان» در یکی از حوزه‌های تخصصی زبان‌شناسی چاپ می‌شود. از سال ۱۳۹۵ هم فصلنامه‌ای تخصصی با نام «زبان‌شناسی اجتماعی» شروع به کار کرده‌است. و در فهرست ما دو مقاله در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی انتشار داده است. تحلیل گفتمان هم موضوعی است که طیفی از رشته‌های علوم انسانی را در بر می‌گیرد و هنوز هم به عنوان یک رشته در ایران تأسیس نشده‌است بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که مجله‌ای به نام رشته‌ای که هنوز تأسیس نشده انتشار یابد. با تمام این تفصیلات، اما می‌توانیم حداقل به مقایسه مجلاتی بپردازیم که بیشترین مقاله در زمینه تحلیل گفتمان را انتشار دادند. این مجلات هم از رشته‌های زبان‌شناسی، ادبیات، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی و هنر هستند. مجله جستارهای زبانی در سال ۱۳۸۹ با نام «پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی» شروع به کار کرد و در سال ۱۳۹۲ به جستارهای زبانی و با محوریت آموزش زبان، زبان‌شناسی، کاربردشناسی، نشانه‌شناسی و ... تغییر نام داد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با این سابقه و با ۲۳ مقاله رتبه اول در انتشار مقالات تحلیل گفتمان انتقادی را داشته باشد. مجله زبان‌پژوهی در سال ۱۳۸۹ شروع به کار کرد و با ۹ مقاله جایگاه دوم در انتشار مقالات تحلیل گفتمان انتقادی را دارد. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان (دو فصلنامه) و مطالعات فرهنگ و ارتباط (فصلنامه) هم با ۹ مقاله همدیگر مجله زبان‌پژوهی هستند که به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷ شروع به کار کردند. فصلنامه‌های «پژوهش زبان و ادبیات فارسی» و «نقد ادبی» به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۸۷ شروع به انتشار کردند. از آن‌جا که سال انتشار این مجلات نزدیک به هم است بنابراین مقایسه رویکرد آن‌ها هم چندان بی‌معنا نیست.

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

حدود ۱۴۳ مجله در پیکره مقاله حاضر بررسی شدند. در این میان، ۸۳ مجله تنها یک مقاله در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان داشتند. ۳۳ مجله با دو مقاله، ۸ مجله با ۳ مقاله، سه مجله با چهار مقاله، و ۵ مجله با ۵ مقاله در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی بودند. با این نحوه توزیع، و به استثنای مجلات که در جدول زیر آمده‌اند نمی‌توان با صراحت گفت که کدام مجله به طور اختصاصی به موضوع تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد. ولی با توجه به درگیری طیفی از رشته‌های علوم انسانی با این موضوع می‌توان ضرورت تأسیس مجله‌ای تخصصی در این زمینه را احساس کرد.

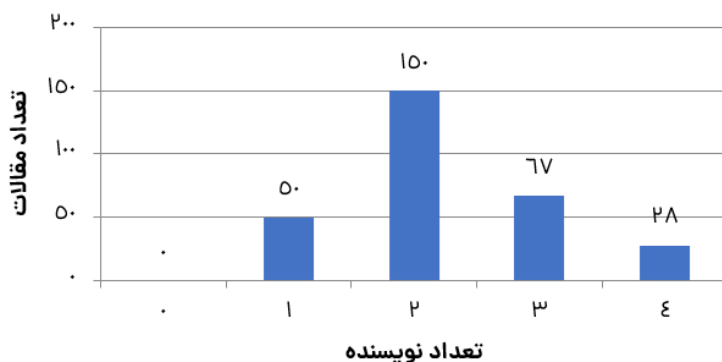
جدول ۴. تعداد مقاله چاپ‌شده در هر سال به تفکیک فصلنامه

عنوان مجله	۱۳۸۱	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	جمع
جستارهای زبانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۲	۳	۳	۱	۵	۲۳
زبان پژوهی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۹
زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۹
مطالعات فرهنگ ارتباطات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۹
پژوهش زبان و ادبیات فارسی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۱	۰	۸
نقد ادبی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۱	۸
مطالعات فرهنگی و ارتباطات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۷
زن در فرهنگ و هنر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۶
متن پژوهی ادبی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۶

نویسنده‌ها: در کل ۶۶۲ نویسنده در نوشتن ۲۹۵ مقاله مشارکت داشتند که

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

۲/۲ نویسنده برای هر مقاله خواهد بود. بیشترین بسامد مربوط به مقاله‌هایی با دو نویسنده است. پنجاه مقاله تنها یک نویسنده داشتند. ۶۷ مقاله با مشارکت سه نویسنده و ۲۸ مقاله با مشارکت چهار نویسنده نوشته شدند.



نمودار ۳. تعداد مقالات بر اساس تعداد نویسنده

جدول ۵. مقالات بر اساس تعداد نویسنده

سال	یک نویسنده	دو نویسنده	سه نویسنده	چهار نویسنده	جمع
۱۳۸۱	۱	۰	۰	۰	۱
۱۳۸۶	۲	۱	۱	۰	۴
۱۳۸۷	۰	۰	۱	۰	۱
۱۳۸۸	۲	۳	۳	۲	۱۰
۱۳۸۹	۰	۸	۲	۱	۱۱
۱۳۹۰	۳	۴	۳	۲	۱۲
۱۳۹۱	۴	۸	۳	۱	۱۶
۱۳۹۲	۵	۱۴	۳	۳	۲۵
۱۳۹۳	۷	۱۳	۲	۱	۲۳
۱۳۹۴	۹	۱۴	۵	۳	۳۱
۱۳۹۵	۴	۲۵	۲	۱	۳۲
۱۳۹۶	۵	۱۴	۱۰	۱	۳۰
۱۳۹۷	۵	۱۴	۹	۶	۳۴
۱۳۹۸	۱	۲۱	۱۵	۶	۴۳
۱۳۹۹	۲	۱۱	۸	۱	۲۲
جمع	۵۰	۱۵۰	۶۷	۲۸	۲۹۵

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

جدول ۶. مقالات بر اساس تعداد نویسنده (درصد)

سال	یک نویسنده	دو نویسنده	سه نویسنده	چهار نویسنده	جمع (درصد)
۱۳۸۱	۱۰۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۶	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۱۰۰
۱۳۸۷	۰	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۸	۲۰	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰۰
۱۳۸۹	۰	۷۳	۱۸	۹	۱۰۰
۱۳۹۰	۲۵	۳۳	۲۵	۱۷	۱۰۰
۱۳۹۱	۲۵	۵۰	۱۹	۶	۱۰۰
۱۳۹۲	۲۵	۵۶	۱۲	۱۲	۱۰۰
۱۳۹۳	۳۰	۵۷	۹	۴	۱۰۰
۱۳۹۴	۲۹	۴۵	۱۶	۱۰	۱۰۰
۱۳۹۵	۱۳	۷۸	۶	۳	۱۰۰
۱۳۹۶	۱۷	۴۷	۳۳	۳	۱۰۰
۱۳۹۷	۱۵	۴۱	۲۶	۱۸	۱۰۰
۱۳۹۸	۲	۴۹	۳۵	۱۴	۱۰۰
۱۳۹۹	۹	۵۰	۳۶	۵	۱۰۰
جمع	۱۷	۵۱	۲۳	۹	۱۰۰

جدول ۷. مقالات بر اساس پرکارترین نویسندگان

نام نویسنده	تعداد مقاله	تعداد مقالات فردی	تعداد مقالات گروهی	درصد کل مقالات	درصد مقالات انفرادی	درصد مقالات گروهی
آقاگل زاده فردوس	۲۰	۳	۱۷	۳	۶	۳
غیاثیان مریم السادات	۷	۱	۶	۱	۲	۱
خیرآبادی رضا	۶	۲	۴	۱	۴	۱
سلطانی علی اصغر	۶	۰	۶	۱	۰	۱
شریفی شهلا	۵	۰	۵	۱	۰	۱
گلفام ارسلان	۵	۰	۵	۱	۰	۱
حامدی شیروان زهرا	۴	۰	۴	۱	۰	۱
رحیمیان جلال	۴	۰	۴	۱	۰	۱
صابریور زینب	۴	۳	۱	۱	۰	۰
صادقی فسائی سهیلا	۴	۰	۴	۱	۰	۱
فرقانی محمد مهدی	۴	۰	۴	۱	۰	۱
کریمی فیروزجائی علی	۴	۲	۲	۱	۴	۰
گرچی مصطفی	۴	۰	۴	۱	۰	۱
محمودی بختیاری بهروز	۴	۰	۴	۱	۰	۱
سایر (۴۷۱ نفر)	۵۸۲	۳۹	۵۴۳	۸۸	۷۸	۸۹
جمع	۶۶۳	۵۰	۶۱۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

از میان مجموع ۶۶۳ نویسنده، فردوس آقاگل زاده با ۳ مقاله انفرادی و ۱۷ مقاله گروهی و در مجموع با ۲۰ مقاله پرکارترین نویسنده‌هاست. چنانچه از تصویر شماره ۱۰ بر می‌آید، بیشترین نویسندگان به صورت گروهی دست به تألیف مقاله زده‌اند. این امر از یک سو نوید خوبی در انجام کارهای گروهی محسوب می‌شود. اما با نگاه به ستون کارهای انفرادی در می‌یابیم که اکثر نویسندگان صفر آورده‌اند

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

و این البته چندان خوب محسوب نمی‌شود. چراکه اگر نویسنده‌ای در یک حوزه متخصص باشد حتمن کارهایی به صورت انفرادی هم دارد. اما وقتی چنین نیست، ظن آن می‌رود که آن کارهای گروهی نه محصول پژوهش مشترک و همکاری‌های جمعی بلکه خروجی کاری پژوهشی مانند پایان‌نامه باشد که با مشاوره و راهنمایی استادان صورت گرفته است. ستون آخر (سایر) می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد. این ستون بیشترین تعداد نویسنده را به خود اختصاص داده است. یعنی نویسنده‌هایی که بین یک تا سه بار در این زمینه مقاله نوشته‌اند. بنابراین، این ستون ظن ما را قوی‌تر می‌سازد که بیشتر مقاله‌ها حاصل خروجی طرحی پژوهشی به عنوان پایان‌نامه هستند و دانشجو پس از نوشتن پایان‌نامه و استخراج مقاله، آن را به‌همراه نام استادان مشاور و راهنمای خود به چاپ رسانده است. و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد و نام دانشجو به‌عنوان نویسنده تغییر می‌کند و نام استادان مشاور و راهنما ثابت می‌ماند. این روند را می‌توان یکی از عوامل بازدارنده پویایی و تحرک در جامعه دانشگاهی دانست که مانع پرورش متخصص می‌شود؛ چراکه استادان زمانی به سوی پژوهش گفتمانی سوق پیدا می‌کنند که دانشجویی در این زمینه طرحی انتخاب کند. بنابراین، تحلیل انتقادی گفتمان نمی‌تواند دغدغه پژوهشگر باشد بلکه محصول یک طرح دانشجویی خواهد بود.

جدول ۸. مقالات بر اساس استناد (تعداد-درصد)

تعداد استنادها	تعداد مقالات بر اساس استناد	سهم درصد
۰	۱۷۹	۶۰/۷
۱-۵	۹۳	۳۱/۵
۶-۱۰	۱۷	۵/۸
۱۱-۱۵	۲	۰/۷
۱۶-۲۰	۲	۰/۷
۲۱-۲۵	۱	۰/۳
۲۶-۳۰	۱	۰/۳
جمع	۲۹۵	

جدول ۹. مقالات با بیشترین استناد به تفکیک سال و نویسنده

عنوان مقاله	روش تحقیق	رویکرد تحقیق	نویسندگان	سال	تعداد استنادات
رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی	مروری	هیچ	آقاگل زاده فردوس	۱۳۸۶	۳۰
بازنمایی ایران در سینمای هالیوود	موردی	تلفیقی	گیویان عبدالله، سروی زرگر محمد	۱۳۸۸	۲۵
تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور	موردی	فرکلاف	قبادی حسینی، آقاگل زاده فردوس، دسپ علی	۱۳۸۸	۲۰
توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدیولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی	مروری	هیچ	آقاگل زاده فردوس	۱۳۹۱	۲۰
بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان	موردی	ون لیوون	صاحبی سیامک، فلاحي محمد هادی، توکلی نسترن	۱۳۸۹	۱۲
ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم	مبنایی	تلفیقی	فرقانی محمد مهدی، اکبرزاده جهرمی، جمال الدین	۱۳۹۰	۱۱

کانون تأکیدات اصلی در مقالات تحلیل گفتمان انتقادی

در ادامه می‌کوشیم تا با بررسی نتایج، به پرسش دوم مقاله حاضر پاسخ دهیم: محورهای اصلی مقاله‌های تحلیل گفتمان انتقادی چه هستند. این محورهای اصلی شامل روش‌های تحقیق، موضوع تحقیق و رویکردهای غالبی هستند که در مقاله‌ها به کار گرفته شدند.

روش‌های تحقیق مورد استفاده در مقالات: جدول زیر عمده‌ترین روش‌های تحقیق مورد استفاده در مقاله‌های پیکره مورد بررسی ما را نشان می‌دهد. مطالعه موردی با ۱۷ مورد بالاترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد که حدود ۵۷ درصد را پیکره ۲۵۹ مقاله‌ای ما تشکیل می‌دهد. روش تحلیل کیفی از نوع طولی با ۳۷ مورد و چیزی حدود ۱۳ درصد دومین روش پربسامد مورد استفاده در مقاله‌هاست. روش‌های پیکره‌ای و چندوجهی با پایین‌ترین میزان بسامد هستند. البته این امر چندان دور از ذهن نیست چراکه ماهیت تحلیل‌ها در گفتمان انتقادی صبغه کیفی

دارد و اخیراً تحلیل‌های کمی و پیکره‌ای و چندوجهی در حوزه گفتمان انتقادی رایج شده‌است. به علاوه، انجام چنین تحلیل‌هایی نیازمند تخصص و کسب مهارت در زمینه‌هایی غیر از تحلیل متن و تحلیل زبانی است. مثلاً، در تحلیل‌های پیکره‌ای باید به مهارت‌هایی در زمینه استفاده از پیکره، استفاده از رایانه، تهیه پیکره، و مسائلی از این دست رسید. در تحلیل‌های کمی هم باید با آمار و نرم‌افزارهای آماری، ولو نرم‌افزارهای ساده، روش تحلیل‌های آماری و انواع تکنیک‌های آماری آشنا بود. بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد که هنوز چنانکه باید تحلیل‌های انتقادی از گفتمان در فضای دانشگاهی ما به این حوزه‌ها کشیده نشده است.

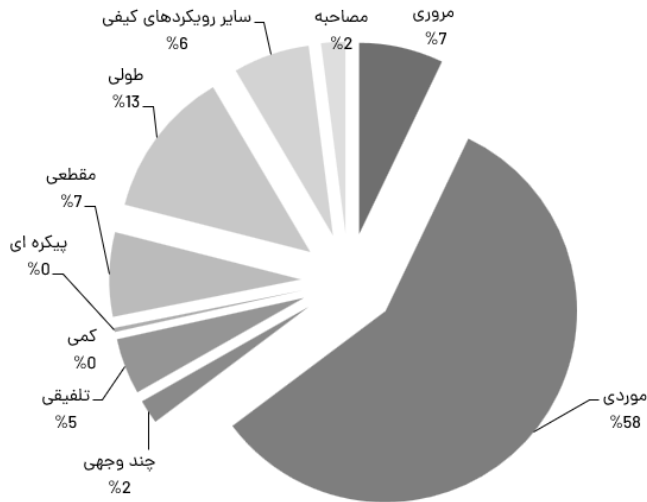
جدول ۱۵. روش تحقیق

سال	مروری	موردی	چند وجهی	تلفیقی	کمی	پیکره‌ای	مقطعی	طولانی	کیفی	سایر رویکردهای	مصاحبه	جمع
۱۳۸۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۱۳۸۶	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۴
۱۳۸۷	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۱۳۸۸	۲	۵	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۰
۱۳۸۹	۱	۶	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۱۱
۱۳۹۰	۲	۵	۱	۰	۰	۰	۱	۲	۱	۰	۰	۱۲
۱۳۹۱	۵	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۶
۱۳۹۲	۴	۱۱	۰	۱	۰	۰	۳	۲	۴	۰	۰	۲۵
۱۳۹۳	۱	۱۳	۰	۳	۰	۱	۲	۱	۲	۰	۰	۲۳
۱۳۹۴	۰	۱۹	۰	۲	۰	۰	۳	۵	۱	۰	۰	۳۱
۱۳۹۵	۱	۱۳	۰	۲	۰	۰	۴	۷	۳	۰	۱	۳۲
۱۳۹۶	۰	۱۹	۲	۱	۰	۰	۵	۲	۱	۰	۰	۳۰
۱۳۹۷	۰	۲۲	۰	۰	۰	۰	۱	۷	۲	۰	۲	۳۴
۱۳۹۸	۱	۳۰	۰	۲	۰	۰	۱	۶	۰	۰	۳	۴۳
۱۳۹۹	۰	۱۷	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۱	۰	۰	۲۲
جمع	۲۱	۱۷۰	۶	۱۴	۰	۱	۲۱	۳۷	۱۹	۰	۶	۲۹۵

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

جدول ۱۱. روش تحقیق- درصد

سال	مروزی	موردی	چند وجهی	تلفیقی	کمی	پیکره‌ای	مقطعی	طولی	سایر رویکردهای کیفی	مصاحبه	جمع
۱۳۸۱	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۶	۵۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۷	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۸	۲۰	۵۰	۰	۲۰	۰	۰	۰	۱۰	۰	۰	۱۰۰
۱۳۸۹	۹	۵۵	۰	۹	۰	۰	۹	۰	۱۸	۰	۱۰۰
۱۳۹۰	۱۷	۴۲	۸	۰	۰	۰	۸	۱۷	۸	۰	۱۰۰
۱۳۹۱	۳۱	۶۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۰	۱۰۰
۱۳۹۲	۱۶	۴۴	۰	۴	۰	۰	۱۲	۸	۱۶	۰	۱۰۰
۱۳۹۳	۴	۵۷	۰	۱۳	۰	۴	۹	۴	۹	۰	۱۰۰
۱۳۹۴	۰	۶۱	۳	۶	۰	۰	۱۰	۱۶	۴	۰	۱۰۰
۱۳۹۵	۳	۴۱	۳	۶	۰	۰	۱۳	۲۲	۹	۳	۱۰۰
۱۳۹۶	۰	۶۳	۷	۳	۰	۰	۱۷	۷	۴	۰	۱۰۰
۱۳۹۷	۰	۶۵	۰	۰	۰	۰	۳	۲۰	۶	۶	۱۰۰
۱۳۹۸	۲	۷۰	۰	۵	۰	۰	۲	۱۴	۰	۷	۱۰۰
۱۳۹۹	۰	۷۷	۵	۰	۰	۰	۰	۱۴	۵	۰	۱۰۰
جمع	۷	۵۸	۲	۵	۰	۰	۷	۱۴	۶	۲	۱۰۰



نمودار ۴. روش تحقیق / درصد

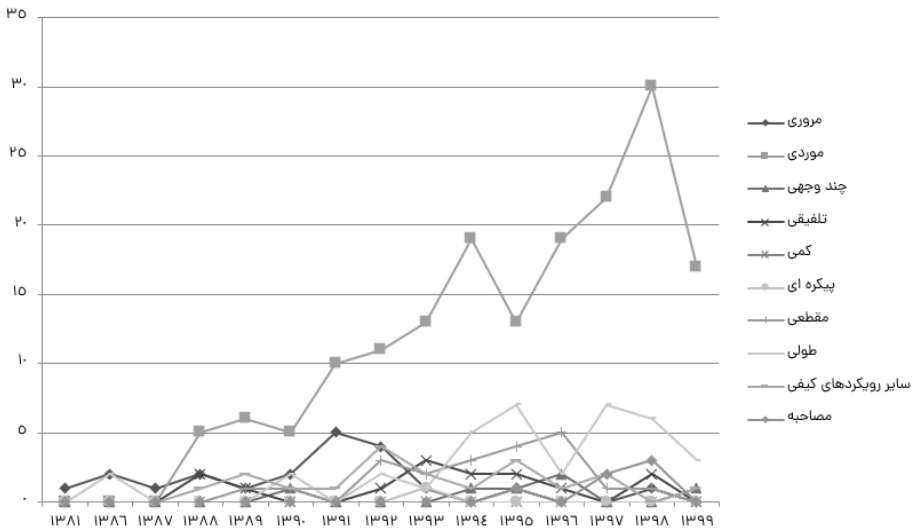
روند استفاده از رویکردهای پژوهشی طی سال‌ها: چنانچه از نمودار شماره ۱۶

بر می‌آید، روند استفاده از روش‌های تحقیق طی سال‌ها رو به تغییر است. شاید این امر بسته به میزان بیشتر مقالاتی که در سال‌های اخیر نوشته شده طبیعی بنماید. اما همه موارد اینگونه نیستند. بارزترین میزان رشد به مطالعه موردی بر می‌گردد؛ که طی سال‌های ۹۳ تا ۹۵ از یک سو، و ۹۷ تا ۹۹ از سوی دیگر شاهد رشد روزافزونی در استفاده از این روش تحقیق هستیم. در مورد مقاله مروری هم در سال ۱۳۹۱ شاهد جهشی در استفاده از آن هستیم. اما در سایر موارد شاهد سیر یک مسیر تقریباً یکنواخت هستیم. این نکته چندان خوب به نظر نمی‌رسد. اساس تحقیق بر روش آن است. وقتی روش تحقیق مناسبی انتخاب نشود، سر و سامان دادن به داده‌ها و دست یافتن به نتیجه مطلوب نمی‌تواند چندان دقیق باشد.

نگارنده مقاله حاضر حین خواندن چکیده‌ها و بعضاً متن مقاله‌ها برای تعیین نوع روش تحقیق با نکته مایوس‌کننده‌ای مواجه شد. اکثر مقاله‌ها هیچ بخشی یافت نشد که دقیقاً به روش تحقیق، داده‌های تحقیق و جامعه آماری و مسائلی از این دست بپردازد. گویا نویسندگان مقاله‌ها با روش تحقیق بیگانه بودند. جز

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

معدودی انگشت‌شمار، اکثر مقاله‌ها هیچ تبیینی در مورد روش تحقیق نداشتند. گویی همه آن‌ها به دنبال انتخاب یک نظریه و کاربرست آن بر یک متن، از جمله داستان، شعر، سخنرانی، فیلم، تبلیغ و مانند آن‌ها، بودند تا از این رهگذر بتوانند به تحلیل ساختارهای زبانی و بعضاً غیرزبانی متن بپردازند و ایدئولوژی نهفته در متن را دریابند. و این البته ضعف بزرگی در مورد پژوهش‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که روش تحقیق از جمله مواردی است که باید در دانشگاه‌ها و میان محققان و فعالان حوزه تحلیل گفتمان انتقادی جدی گرفته شود و ای بسا از نو آموزش داده شود. عبارت «توصیفی تحلیلی» در اکثر مقاله‌ها در بیان روش تحقیق مشاهده شد. در صورتی که می‌دانیم روش تحقیق به دو دسته عمده کیفی و کمی تقسیم می‌شود و هر کدام از این‌ها هم خود زیرمجموعه‌هایی دارند که برونداد نهایی آن‌ها توصیف و تحلیل متن مورد مطالعه است. اما این نکته حلقه مفقوده اکثر مقاله‌هاست؛ گویی که تلقی نویسنده‌ها از روش تحقیق در همین دایره است.



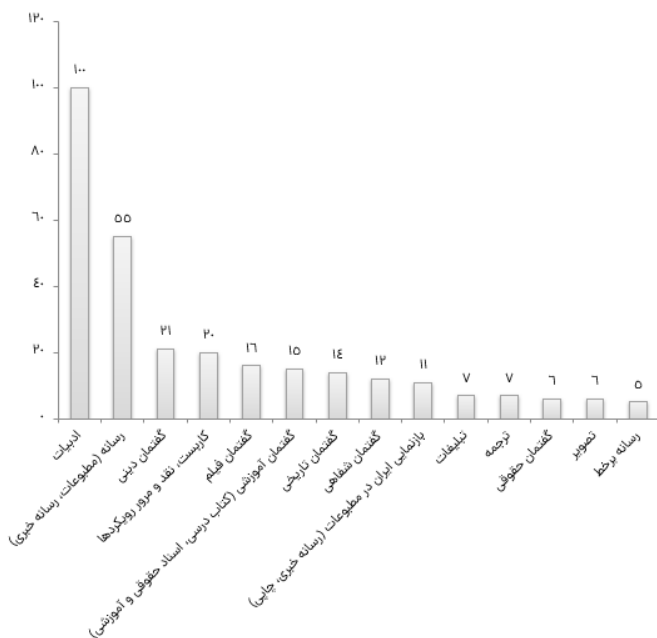
نمودار ۵. نمودار روند استفاده از رویکردهای پژوهشی طی سال‌ها

موضوع تحقیق: فصل مشترک تمام رویکردهای انتقادی به گفتمان را می‌توان در مفاهیم گفتمان، قدرت، نقد و ایدئولوژی دانست. تحلیل انتقادی می‌کوشد

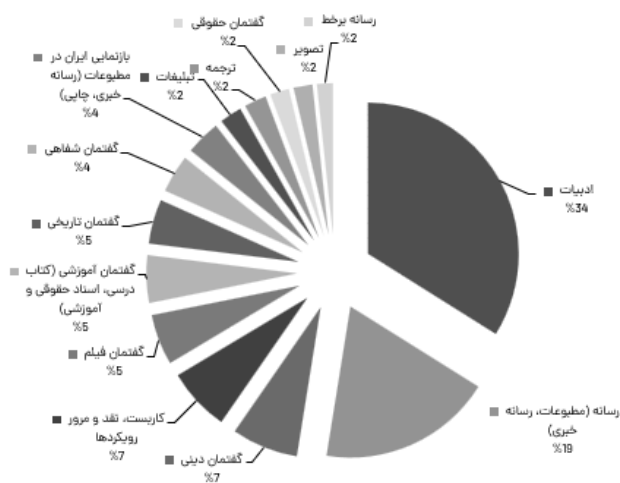
تا نحوه بازتاب این مفاهیم را در گفتمان بررسی کند و به آشکارسازی آن‌ها در متن بپردازد؛ به علاوه، می‌کوشد تا نشان دهد که این مفاهیم چه نقشی در جامعه، در شکل دادن به آن دارند. بر این اساس، همین نکات را در دسته‌بندی موضوع مقاله‌های موردبررسی ملاک قرار دادیم و این موضوعات را از هم جدا ساختیم: بازتاب ایدئولوژی، قدرت، جنسیت در رسانه (مطبوعات، اخبار)، بازتاب ایران در رسانه، بازتاب ایدئولوژی، قدرت، جنسیت در ادبیات (منظوم و منثور)، بازتاب ایدئولوژی، قدرت، جنسیت در گفتمان تاریخی، در گفتمان دینی، در گفتمان حقوقی، در گفتمان آموزشی (کتاب‌های درسی، اسناد آموزشی)، در گفتمان شفاهی، در تبلیغات، در ترجمه، در تصویر، در رسانه برخط، در فیلم.

با این حساب، داده‌ها نشان می‌دهند که بیشترین موضوع مقاله‌ها بازتاب ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در گفتمان ادبی بود که به حدود ۳۴ درصد می‌رسد. بررسی همین مسائل در رسانه ۵۵ مقاله را به خود اختصاص داد که چیزی حدود ۱۹ درصد از کل مقاله‌هاست. اگر، به واسطه قرابت موضوعی، ۴ درصد موضوع بازتاب ایران در رسانه را هم به آن بیفزاییم، مجموع درصد این موضوع به ۲۳ درصد خواهد رسید. بررسی بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در رسانه برخط، در گفتمان حقوقی، در تصویر و در تبلیغات پایین‌ترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد که بیش از ۲ درصد از کل مقاله‌ها نیست. این داده‌ها نشان از میزان گرایش رشته‌های مختلف به این حوزه پژوهشی است. بنابراین، می‌توان اولاً وضعیت کنونی را پایش و بر اساس آن نیازهای پژوهشی آتی را شناسایی کرد. در بخش پیش اشاره کردیم که یکی از روش‌های مورد استفاده در تحقیق تحلیل چندوجهی است. این روش بیشتر برای تحلیل بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در تصاویر و رسانه‌های چندوجهی از جمله فیلم به کار گرفته می‌شود. در آنجا اشاره کردیم که روش تحلیل چندوجهی بسیار کم مورداستفاده قرار گرفت. در اینجا هم شاهد آن هستیم که بررسی انتقادی بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در تصاویر از جمله موضوعاتی است که بسیار اندک مورد کنکاش قرار گرفته است. بنابراین می‌تواند ارتباط مستقیمی بین این درصد پایین به کارگیری روش تحقیق چندوجهی و درصد پایین تحلیل بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در تصویر وجود داشته باشد. سایر موضوعات موردبررسی هم در نمودارها مشخص است. در

کل، شاهد آنیم که غیر از بررسی گفتمان ادبی و گفتمان رسانه، تمرکز خاصی روی موضوع مشخصی نیست و موضوعات به صورت پراکنده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



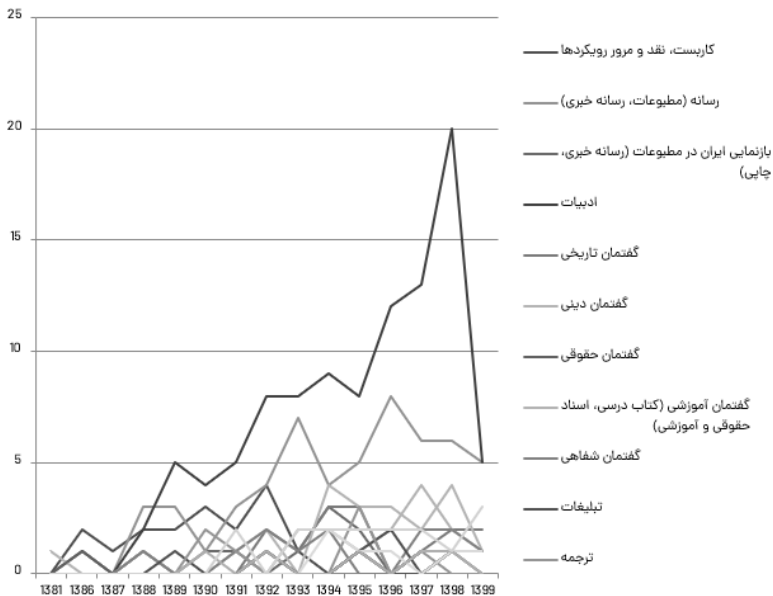
نمودار ۶. موضوع تحقیق-تعداد



نمودار ۷. موضوع تحقیق/ درصد

روند انتشار موضوع تحقیق طی سال‌ها: تصویر ۱۹ روند انتخاب موضوع

تحقیق را طی سال‌ها نشان می‌دهد. جز موضوع «بازنمایی ایدئولوژی، قدرت، جنسیت در گفتمان»، می‌توان گفت که سایر موضوعات روند یکنواختی را طی می‌کنند. بنابراین، می‌تواند تا این نگاه را به جامعه دانشگاهی داد که کدام موضوعات در خورد بررسی بیشتری هستند.



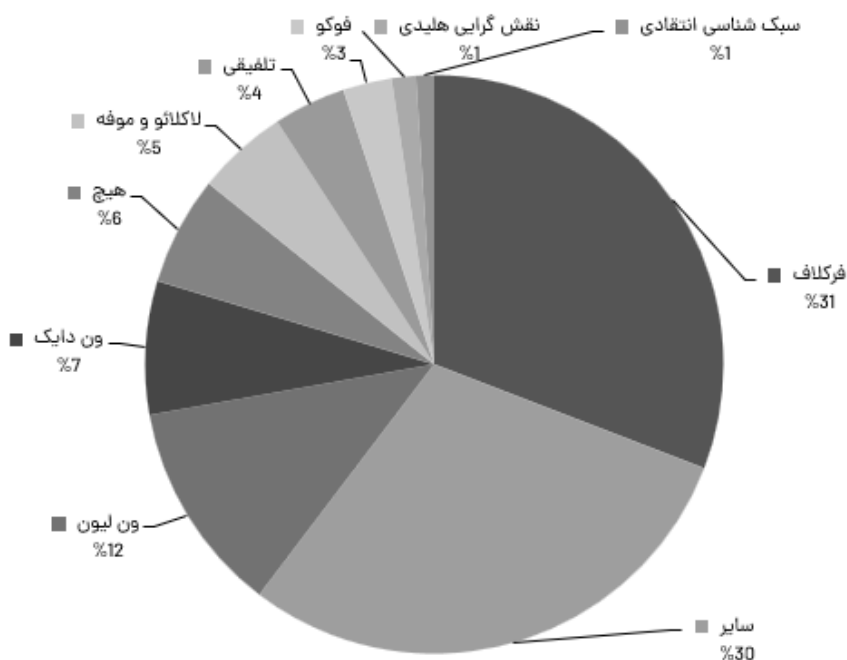
نمودار ۸. روند انتشار موضوع تحقیق طی سال‌ها

رویکردهای تحقیق مورد استفاده در مقالات: تحلیل رویکردهای مورد استفاده در

مقاله‌ها نشان می‌دهد که رویکرد فرکلاف با ۳۱ درصد بالاتر از همه مورد استفاده قرار گرفته است (۹۱ مقاله). رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند و سبک‌شناسی انتقادی با ۳ مورد و حدود ۱ درصد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند. این امر در مورد رویکرد سبک‌شناسی انتقادی دور از ذهن نیست؛ چون مدت زمان زیادی نیست که این رویکرد در جامعه دانشگاهی و پژوهشی به کار گرفته شده است. اما در مورد زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند کمی انتظار نمی‌رفت، اما می‌توان بدین صورت توضیح داد که زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، با تأکید بر دستور زبان، ابزارهایی در اختیار تحلیل‌گران قرار می‌دهد اما خود به‌عنوان رویکردی مستقل در

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

تحلیل انتقادی گفتمان کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، در تحلیل‌های زبانی رویکردهایی مانند رویکرد فرکلاف و دیگر واضعان بسیار از دستور نقش‌گرای نظام‌مند استفاده شده‌است. نکته قابل‌ذکر دیگر این که گزینه‌ای تحت عنوان «سایر» با ۸۷ مورد و ۳۰ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. در این دسته رویکردهایی قرار می‌گیرند که تنها یک یا دو بار مورد استفاده قرار گرفتند. بنابراین، رویکرد ووداک، نشانه‌شناسی، نشانه‌معناشناسی، پیکره‌ای، روایت‌شناسی، تحلیل انتقادی استعاره، رویکرد فمینیستی دوبوار، رابرت ونتو، چندوجهی، لازار، کاربردشناسی گرایس، پنی کوک، لکان، کنش ارتباطی هابرماس، شرق‌شناسی ادوارد سعید در این دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، بعید نیست که درصد بالایی از رویکردهای مورد استفاده را به خود تخصیص داده‌است. از طرفی، رویکرد تلفیقی ترکیبی از دو یا سه تا از این رویکردها را برای تحلیل به کار می‌گیرد.



نمودار ۹. رویکردهای مورد استفاده- درصد

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

جدول ۱۲. مقالات بر اساس رویکردهای مورد استفاده

تصفیق رویکرد	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	جمع
فرکلاف	۰	۱	۰	۱۴	۹	۱۲	۵	۵	۸	۴	۳	۳	۲	۰	۹۱	
سایر	۰	۱	۰	۹	۱۳	۷	۱۱	۱۰	۴	۸	۶	۳	۳	۰	۸۷	
ون لیون	۰	۰	۰	۳	۲	۳	۹	۱	۴	۰	۰	۲	۳	۰	۳۵	
ون دایک	۰	۰	۰	۲	۱	۳	۰	۴	۳	۰	۱	۲	۰	۲۲		
هیج	۰	۱	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۳	۲	۱	۰	۱	۰	۱۸	
لاکلائو و موفه	۰	۰	۰	۱	۲	۱	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵	
تلفیقی	۰	۰	۰	۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱۲	
فوکو	۱	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۸	
نقش گرایی هلبیدی	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	
سبک شناسی انتقادی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳	
جمع	۱	۴	۱	۳۴	۳۰	۳۲	۳۱	۲۳	۲۵	۱۶	۱۲	۱۱	۱۰	۱	۲۹۵	

جدول ۱۳. مقالات بر اساس رویکردهای مورد استفاده- درصد

تصفیق رویکرد	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	جمع
فرکلاف	۰	۲۵	۰	۴۱	۴۰	۳۸	۱۶	۲۲	۳۲	۲۵	۲۵	۲۷	۲۰	۰	۳۱	
سایر	۰	۲۵	۰	۲۶	۴۳	۲۲	۳۵	۴۳	۱۶	۵۰	۵۰	۲۷	۳۰	۰	۲۹	
ون لیون	۰	۰	۰	۹	۷	۹	۲۹	۴	۱۶	۰	۰	۱۸	۳۰	۰	۱۲	
ون دایک	۰	۰	۰	۶	۳	۹	۰	۱۷	۱۲	۰	۸	۱۸	۰	۰	۷	
هیج	۰	۲۵	۱۰۰	۷	۶	۶	۳	۴	۱۲	۱۳	۸	۰	۱۰	۱۰۰	۶	
لاکلائو و موفه	۰	۰	۰	۷	۳	۳	۳	۰	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۵	
تلفیقی	۰	۰	۰	۳	۳	۳	۳	۴	۰	۰	۸	۰	۱۰	۰	۴	
فوکو	۱۰۰	۰	۰	۰	۶	۶	۰	۰	۶	۰	۹	۰	۰	۰	۳	
نقش گرایی هلبیدی	۰	۲۵	۰	۰	۳	۳	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	
سبک شناسی انتقادی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش به نتایج حاصل از یافته‌های آماری اشاره خواهیم کرد که می‌تواند پیشنهادهایی برای مطالعات آتی در نظر گرفته شود و پاسخی به پرسش سوم به حساب آید؛ چراکه تصویری از آینده مطالعات گفتمان انتقادی در اختیار ما قرار می‌دهد. داده‌های آماری می‌تواند نکات مشخصی برای این پرسش و محققان به همراه داشته باشد. مثلاً وقتی بیشتر مطالعات انجام‌شده در موضوع بازنمایی ایدئولوژی، قدرت و جنسیت در ادبیات بود، و بازنمایی این مسائل در گفتمان‌هایی مانند گفتمان حقوقی یا قانونی (مانند مصوبات مجلس) بسیار اندک موردبررسی قرار گرفته است، این آورده را برای محققان به همراه دارد که می‌توان در این موضوعات بیشتر به کار پرداخت و در مطالعات آینده بر آن متمرکز شد.

به نظر می‌رسد نویسنده‌ها، جز اندکی از آن‌ها، تخصص چندانی در این حوزه ندارند چراکه بسیاری از آن‌ها تنها یک بار در این زمینه دست به پژوهش زدند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعداد کمی از نویسندگان در بخش عمده‌ای از مقاله‌ها شرکت داشتند. در واقع، نام‌های اندکی در مقاله‌ها تکرار می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از نویسندگان مقاله تنها یک بار در این پیکره شرکت داشتند و در نوشتن مقاله‌ها نقش آفرینی کردند. نکته مهم اینکه، نویسندگان‌هایی که کارهای گفتمانی‌شان استمرار داشت، توانستند استنادهای بیشتری به خود تخصیص دهند.

خود این نگاه و تحلیل چند معنای ضمنی به همراه دارد. یکی اینکه، موانع چندانی برای ورود به حوزه گفتمانی وجود ندارد. به عبارتی، تحلیل گفتمان یک حوزه دانشگاهی رو به پیشرفت و البته جوان است که مشارکاتی از انواع حوزه‌های دانشگاهی و فعالان مختلف را به خود می‌کشد. دوم، به دلیل همین موانع اندک برای ورود به این زمینه پژوهشی، حتی افرادی با تبحر نه چندان بالا می‌توانند از رشته‌های مختلف وارد این نوع پژوهش شوند. سوم، نویسندگان‌هایی که در این زمینه به طور مستمر دست به پژوهش زده‌اند می‌توانند به سادگی به این تبحر دست پیدا کنند و مورد ارجاع نویسندگان‌های دیگر قرار گیرند. به علاوه، مشاهده ترکیب نویسندگان نشان از جوانی این حوزه مطالعاتی در ایران را دارد.

انحصار دامنه نویسنده‌ها به داخل و فقدان همکاری‌های بین‌المللی

همکاری بین‌المللی بین نویسندگان در این پیکره از داده‌ها بسیار پایین است. همکاری‌های بین‌المللی یکی از راه‌هایی است که باعث شناخته‌شدن مقاله‌ها و پژوهش‌ها و در نتیجه استنادهای بین‌المللی می‌شود. این نوع همکاری باعث برقراری دیالوگ بین نویسندگان با پیشینه‌های مختلف و در نتیجه برون‌دادی منحصر به فرد و راه‌حلی خلاق می‌شود. از سوی دیگر، نوشته‌هایی با همکاری‌های بین‌المللی نشان از گسترش مطالعاتی در این حوزه و بسط آن دارد. بالارفتن اعتبار بین‌المللی مجلات از دیگر امتیازات همکاری‌های بین‌المللی در مقالات است. مسلماً مجلاتی که مقاله‌هایی با همکاران بین‌المللی نشر می‌دهند می‌توانند در مجامع دانشگاهی داخلی و خارجی اعتبار بالایی را برای خود به همراه داشته باشند.

نبود مجله تخصصی برای حوزه گفتمان

در جدول شماره ۴ به مجلاتی اشاره شد که بیشترین مقالات را در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی به چاپ رساندند، اما هیچ کدام از آن‌ها مجله تخصصی در حوزه گفتمان نبودند. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که یکی از دلایل پراکندگی مقالات در مجله‌های مختلف این است که هیچ مجله تخصصی‌ای برای حوزه گفتمان انتقادی به‌طور خاص و تحلیل گفتمان به‌طور عام وجود ندارد. جز یکی دو ویژه‌نامه که محصول کنفرانس‌های داخلی است مجله‌ای دیده نشد که اختصاصاً به چاپ مقالات حوزه تحلیل گفتمان بپردازد. مقالات تخصصی یکی از نشانه‌های شکل‌گیری و البته رویش رشته‌ها است، نبود این مجلات تأییدی است بر جوانی این حوزه در ایران. وجود مجلات تخصصی، محققان تخصصی و ویراستاران یا سردبیران حرفه‌ای موجب اشاعه و گسترش پژوهش در حوزه تخصصی می‌شوند، دیالوگی بین محققان برقرار می‌سازند، و البته ارجاع به مقالات را هم گسترش می‌دهند.

حوزه‌های زیادی نیازمند بررسی بیشتر هستند و برخی حوزه‌ها بیش از دیگر حوزه‌ها مورد پژوهش قرار گرفتند

تحلیل موضوع مقاله‌های نشان می‌دهد که چه حوزه‌هایی بیشتر مورد تحلیل قرار گرفتند و کدام حوزه‌ها کمتر. بیشترین تحلیل‌ها مربوط به تحلیل متن‌ها ادبی (۱۰۵ مقاله)، مطبوعات (۶۶ مقاله) بود و کمترین‌شان به رسانه‌ی برخط (۵ مقاله)، تحلیل تصاویر (۶ مقاله)، گفتمان حقوقی (۶ مقاله)، گفتمان ترجمه (۷ مقاله) و درنهایت گفتمان تبلیغات (۷ مقاله) اختصاص داشت. بر این اساس می‌توان دریافت که کدام حوزه‌ها بیشتر مستعد ورود و تحلیل هستند؛ بنابراین، نیازهای پژوهشی آینده را می‌توان بر این اساس به دست آورد و جزو برنامه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و محققان قرار داد. چراکه با داده‌های آماری می‌توان بررسی کرد که بیشترین مصوبات مجلس در هر دوره در چه زمینه‌ای بوده‌است. کدام دوره از مجلس بیشترین و کدام دوره کمترین مصوبات مثلاً محیط‌زیستی را داشته؟ و چرا؟ آیا گرایش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این زمینه تأثیر داشته است یا اولویت‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره از مجلس اقتضا نکرده؟ در حوزه‌های دیگر هم می‌توان پرسش‌های مشابهی مطرح کرد. از این‌رو، مسایلی از این دست می‌تواند موضوع تحلیل انتقادی گفتمان قرار گیرد.

برخی رویکردها بیش از دیگر رویکردها مورد استفاده قرار گرفتند

می‌توان چهار رویکرد شناخته‌شده را در حوزه تحلیل انتقادی گفتمان برشمرد که از آن فرکلاف، ون دایک، ووداک و ون لیوون است. رویکردهای زبانی دیگری هم هستند، خاصه رویکرد نقش‌گرایی هلیدی، که مورد استفاده همین رویکردهای غالب قرار می‌گیرند. آنچه در این مورد مشاهده شد، مراجعه مکرر به رویکرد پیشنهادی فرکلاف است (۹۱ مورد). علت این امر می‌تواند مختلف باشد؛ اما مطمئناً یکی از شاخص‌ترین آن‌ها این است که این رویکرد نسبت به رویکردهای دیگر هم جامع‌تر به نظر می‌رسد و هم اینکه بیشتر معرفی شده‌است. اما نکته مهم این است که انتخاب رویکرد تحلیلی باید متناسب با موضوع تحلیل باشد. شاید در بسیاری از مواقع انتخاب یک رویکرد به تنهایی نتواند از پس تحلیل موضوع بر آید و نیاز باشد تا ترکیبی از رویکردها مورد استفاده قرار گیرد. خود فرکلاف هم در

تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

بسیاری از کارهای پژوهشی‌اش با همکاری رویکردهای دیگر به تحلیل پرداخته است. بنابراین، می‌توان این نکته را هم مدنظر قرار داد که بسته به موضوع پژوهش می‌توان تلفیقی از رویکردها را به کار گرفت. این مورد، یعنی رویکردهای تلفیقی، در پیکره موردبررسی مقاله حاضر وجود داشت و در ۱۲ مورد رویکردهای تلفیقی در پژوهش‌ها به کار گرفته شد. البته باز هم یک طرف این رویکردهای تلفیقی رویکرد فرکلاف بود. رویکرد ووداک هم چندان موردقبال قرار نگرفته‌است و در تحلیل‌ها استفاده چندان از آن نشده‌است. اما نکته قابل‌تأمل درصد پایین استفاده از رویکرد پیکره‌ای و چندوجهی در تحلیل‌هاست. این دو رویکرد را می‌توان جزو رویکردهای جدید در تحلیل گفتمان انتقادی دانست. درصد پایین استفاده از این رویکردها می‌تواند نشان از عدم آشنایی حوزه‌های تخصصی، آکادمی‌ها، محققان و فعالان حوزه تحلیل انتقادی گفتمان با آن‌ها باشد که این خود گویای خیلی موارد دیگر خواهد بود.

بازنگری در آموزش روش تحقیق ازجمله نیازهای اساسی

چنانکه در بخش مربوط به روش تحقیق نشان داده شد، نویسندگان تصور دقیقی از روش تحقیق نداشتند. بیشترین روش تحقیق مورداستفاده به روش کیفی مطالعه موردی اختصاص داشت، گویی چنین القا می‌شود که تحقیق یعنی متنی انتخاب و بر اساس یک نظریه تحلیل شود. اینکه نحوه انتخاب متن، دسته‌بندی آن، روش استخراج نمونه‌ها، جامعه آماری و نکاتی از این دست واجد چه ویژگی‌هایی باید باشد چندان موردتوجه نویسندگان نبود. اکثر آن‌ها اشاره می‌کردند که روش تحقیق آن‌ها «توصیفی تحلیلی» است؛ بی‌آنکه به نکات اصلی مورد اشاره توجه داشته باشند و بدانند که توصیف و تحلیل یک مرحله از بررسی داده‌ها و نمونه‌هاست نه خود روش. بر این اساس، نیاز به بازنگری در این حوزه بسیار احساس می‌شود تا محققان در انتخاب موضوع، انتخاب روش تحقیق متناسب با آن موضوع، نحوه گردآوری داده‌ها، استخراج داده‌ها بیشتر دقیق شود. از سوی دیگر، کمترین روش‌های تحقیق مورداستفاده روش‌های پیکره‌ای، چندوجهی و کمی بود.

منابع و مأخذ

- Baker, P., Gabrielatos, C., Khosravini, M., Kryzanowski, M., McEnergy, T. and Wodak, R. (۲۰۰۸), 'A useful methodological synergy? Combining critical discourse analysis and corpus linguistics to examine discourses of refugees and asylum seekers in the UK Press', **Discourse & Society**, ۳۰(۳), ۲۷۳-۳۰۶.
- Bazerman, C. (۱۹۸۸), **Shaping Written Knowledge: The Genre and Activity of the Experimental Article in Science**. Madison, WI: University of Wisconsin Press.
- Bazerman, C. (۱۹۹۴), 'Systems of genres and the enactment of social intentions', in A. Freedman and P. Medway (eds), **Genre and the New Rhetoric**. Bristol, PA: Taylor and Francis, pp. ۱۰۱-۷۹.
- Berkenkotter, C. and Huckin, T. (۱۹۹۵), **Genre Knowledge in Disciplinary Communication**. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Biber, D. (۲۰۰۶), **University Language: A Corpus-based Study of Spoken and Written Registers**. Amsterdam: John Benjamins.
- Biber, D. (۲۰۱۰), 'Corpus-based and corpus-driven analyses of language variation and use', in B. Heine and H. Narrog (eds), **The Oxford Handbook of Linguistic Analysis**. Oxford: Oxford University Press, pp. ۹۲-۱۵۹.
- Chilton, P. (۲۰۰۴), **Analysing Political Discourse: Theory and Practice**. London: Routledge.
- Dixon, B.E., McGowan, J.J. and Cravens, G.D. (۲۰۰۹), "Knowledge sharing using codification and collaboration technologies to improve health care: lessons from the public sector", **Knowledge Management Research and Practice**, Vol. ۷ No. ۳, pp. ۲۵۹-۲۴۹.
- Dixon-Woods, M. (۲۰۱۱), "Systematic reviews and qualitative methods", in Silverman, D. (Ed.), **Qualitative Research. Issues of Theory, Method and Practice**, ۳rd ed., Sage, London, pp. ۳۴۶-۳۳۱.
- Dumay, J. (۱۵)، (۲۰۱۴ years of the Journal of Intellectual Capital and counting: A manifesto for transformational IC research", **Journal of Intellectual Capital**, Vol. ۱۵ No. ۱, pp. ۳۷-۲.
- Dumay, J. and Cai, L. (۲۰۱۴), "A review and critique of content analysis as a methodology for inquiring into IC disclosure", **Journal of Intellectual Capital**, Vol. ۱۵ No. ۲, pp. ۲۹۰-۲۶۴.
- Fairclough, N. (۱۹۹۲), **Discourse and Social Change**. Oxford: Polity Press.
- Fairclough, N. (۲۰۰۰), **New Labour, New Language**. London: Routledge.
- Fairclough, N. (۲۰۰۳), **Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research**. London: Routledge.

تحليل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ...

Fairclough, N. (۲۰۰۶), **Language and Globalization**. London: Routledge.

Fairclough, N., Mulderrig, J. and Wodak, R. (۲۰۱۰), 'Critical discourse analysis', in T. van Dijk (ed.), **Discourse as Social Interaction**. London: Sage (in press) (۲nd edn).

Fowler, R., Kress, G., Hodge, R. and Trew, T. (eds) (۱۹۷۹), **Language and Control**. London: Routledge.

Guthrie, J., Ricceri, F. and Dumay, J. (۲۰۱۲), "Reflections and projections: A decade of intellectual capital accounting research", **The British Accounting Review**, Vol. ۴۴ No. ۲, pp. ۸۲-۶۸.

Heller, Monica. (۲۰۰۱). Discourse and interaction. In Deborah Schiffrin, Deborah Tannen, and Heidi E. Hamilton, eds., **The Handbook of Discourse Analysis**. Oxford: Blackwell, pp. ۶۴-۲۵۰.

Kress, G. and van Leeuwen, T. (۲۰۰۶), **Reading Images: The Grammar of Visual Design** (۲nd revised edn). London: Routledge.

Mautner, G. (۲۰۰۹), 'Checks and balances: how corpus linguistics can contribute to CDA', in R. Wodak and M. Meyer (eds), **Methods of Critical Discourse Analysis**. London: Sage.

Mulderrig, J. (۲۰۰۹), **The Language of Education Policy: From Thatcher to Blair**. Saarbrücken: VDM.

Ruth Wodak, Michael Meyer (۲۰۱۶). Critical Discourse Studies: History, Agenda, Theory and Methodology. In Ruth Wodak Michael Meyer, ed., **Methods of Critical Discourse Studies ۳RD Edition**. SAGE. PP .۴۶-۱۸

Tranfield, D., Denyer, D. and Smart, P. (۲۰۰۳), "Towards a methodology for developing evidence-informed management knowledge by means of systematic review", **British Journal of Management**, Vol. ۱۴ No. ۳, pp. ۲۲۲-۲۰۷.

van Dijk, T. (۱۹۹۱), **Racism and the Press**. London: Routledge.

van Dijk, T. (۱۹۹۳), **Elite Discourse and Racism**. Newbury Park, CA: Sage.

van Dijk, T. (۲۰۰۸a), **Discourse and Context: A Sociocognitive Approach**. Cambridge: Cambridge University Press.

van Dijk, T. (۲۰۰۸b), **Society in Discourse. How Context Controls Text and Talk**. Cambridge: Cambridge University Press.

van Leeuwen, T. (۲۰۰۵a), **Introducing Social Semiotics**. London: Routledge.

van Leeuwen, T. (۲۰۰۷), 'Legitimation in discourse and communication', **Discourse & Communication**, ۱۱۲-۹۱,(۱)۱.

van Leeuwen, T. and Caldas-Coulthard, C. R. (۲۰۰۴), 'The semiotics of kinetic design', in D. Banks

- (ed.), **Text and Texture – Systemic Functional viewpoints on the Nature and Structure of Text**. Paris: L'Harmattan, pp. ۸۱-۳۵۶.
- van Leeuwen, T. and Wodak, R. (۱۹۹۹), 'Legitimizing immigration control: a discourse- historical analysis', **Discourse Studies**, ۱۱۹-۸۳ ,(۱)۱
- Wodak, R. (۲۰۰۱), 'The discourse-historical approach', in R. Wodak and M. Meyer (eds), **Methods of Critical Discourse Analysis**. London: Sage, pp. ۹۴-۶۳.
- Wodak, R. (۲۰۰۹a), **The Discourse of Politics in Action: Politics as Usual**. London: Palgrave.
- Wodak, R. (۲۰۰۹b), 'The semiotics of racism – a critical discourse-historical analysis', in J. Renkema (ed.), **Discourse, Of Course**. Amsterdam: Benjamins.
- Wodak, R. and Meyer, M. (۲۰۰۹a), 'Critical discourse analysis: history, theory, agenda, and methodology', in R. Wodak and M. Meyer (eds), **Methods of CDA**. London: Sage, pp. ۳۳-۱.